

## سرسخن

جامعه ایران در آستانه تحولات مهمی قرار دارد. جمهوری اسلامی در محاصره نفرت بیکران توده های مردم قرار گرفته و هر روز بر دامنه مبارزات توده ای افزوده می شود. هراز چندگاهی جرقه ای، موجب حریق در این یا آن گوشه کشور می شود. آتش خشم مردم شعله ور می شود و ادارات و نهاد های دولتی را در کام خود فرو می برد. آخرین نمونه، خیزش قهرمانانه مردم خرم آباد در مقابل خیره سریهای مستبدین حاکم بود. جمهوری اسلامی باید برود! این پیام مشترک کلیه مبارزات توده ای و خیزشهای مردمی است. اینکه چگونه و کی این خواست تاریخی مردم ایران تحقق خواهد یافت اساسا به همت و آگاهی مردم و تلاش نیروهای متشکل انقلابی و مترقی بستگی خواهد داشت.

زنان در صف مقدم بسیاری از این خیزشهای مردمی قرار دارند. این زنان زحمتکش شاتره بودند که به مقابله با نیروهای انتظامی برخاستند و روحیه تعرضی خود را به همگان نشان دادند. اگر چه نقش زنان در بسیاری از اعتراضات توده ای برجسته و چشمگیر است اما در اکثر این مبارزات هنوز جای طرح مشخص مطالبات زنان خالیست. با وجود اینکه مسئله زنان، از مسائل حاد جامعه ماست و جامعه ما شاهد یک جنبش زنان در حال رشد است، اما هنوز در بسیاری از مبارزات توده ای مسئله زنان برسمیت شناخته نمی شود.

دلایل این امر گوناگونند: جنبش زنان ایران پراکنده و نامنسجم است، متشکل و سازمانیافته نیست و هنوز حول یک برنامه و نقشه صحیح و انقلابی متحد نشده است. مضافا، این از ویژگیهای جنبشهای خودبخودی است که قادر نیستند به تنهایی و بدون دخالت نیروهای آگاه و انقلابی از افکار و عقاید مسلط بر جامعه گسست همه جانبه و جدی کنند. تا زمانیکه افکار و عقاید سنتی که زن را درجه دوم و فرودست تصویر می کنند آگاهانه بدور افکنده نشوند، این عقاید باقی خواهد ماند، بازتولید خواهد شد و تاثیر منفی خود را بر عمق یابی و گسترش مبارزات کل ستمدیدگان خواهد گذاشت و سرانجام آنها را با محدودیت روبرو خواهد کرد. رژیم زن ستیز اسلامی مانند تمامی قدرتهای مرد سالار دیگر حداکثر تلاش خود را می کند که با استفاده از این محدودیتها بحرانهای خود را از سر بگذراند.

امروزه، رژیم علاوه بر سرکوبگری عریان، ژست اصلاح طلبی نیز گرفته تا برای خود فرصتی بخرد. اصلاحات وعده داده اش، مانند تمامی اصلاحات ارتجاعی قصدش چشم انتظار نگهداشتن مردم، فریب آنان و تفرقه انداختن میان آنها بوده و هست. علیرغم اینکه بخشهایی از جنبش زنان به این وعده ها امید بسته بودند، اصلاحات دوم خردادیها آب پاکی بر دستشان ریخت و نا امید شان کرد. احقاق حقوق زنان به این خلاصه شد که دختران خردسال اجازه داشته باشند حجاب رنگی سر کنند، زنان امام جماعت زنان شوند.

در شرایطی که دوم خردادیها و فمینیستهای اسلامی تلاش می کنند مطالبات زنان را به سر و دم بریده ترین خواسته ها تنزل دهند وظیفه کلیه افراد و تشکلات انقلابی است که مردسالاری آنان را افشاء کنند تا مبارزه زنان قاطعانه تر علیه کلیت جمهوری اسلامی به پیش رود.

بدون طرح مطالبات مستقل زنان، پیشروی همه جانبه مبارزات مردم ممکن نیست. بدون طرح مسئله زنان، مبارزات کلیه ستمدیدگان از عمق و گسترش همه جانبه ای برخوردار نمی شود و تضمینی نخواهد بود که تحولات سیاسی آتی بر پایه منافع اکثریت مردم رقم خورد. چرا که مسئله زنان یکی از محورهای اصلی مبارزات دمکراتیک مردم ایران است و بدون تغییر اساسی در موقعیت زنان ایجاد جامعه ای مستقل، دمکراتیک و آزاد غیر ممکن است. چگونگی طرح مسئله زنان معیار سنجشی است در مورد اینکه آیا مبارزه مردم تا به آخر - یعنی سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی - پیش خواهد رفت یا در میانه راه خواهد ایستاد.

به همین دلایل وظیفه کلیه زنان مبارز، تشکلات انقلابی زنان و نیروهای انقلابی است که بر خواسته های مستقل زنان در کلیه مجامع توده ای پافشاری کنند. مسئله زن را به مسئله همه جنبشهای توده ای (کارگری، دانشجویی و ...) بدل کنند. ایده های مردسالارانه رایج در میان توده ها را به مصاف بطلبند. ایده هایی که مانع رها شدن حداکثر انرژی انقلابی

زنان می شود.

در شرایط امروز، طرح شعار «لغو حجاب اجباری» یکی از مهمترین خواسته های زنان است و از الویت خاصی برخوردار است. این شعار ایدئولوژی و ارزشهای جمهوری اسلامی را به زیر سؤال می کشد و در هم آمیزی دین و دولت را مورد حمله مستقیم قرار می دهد. وظیفه هر زن و مرد مبارز است که جهت فراگیر کردن این شعار و عملی کردنش، هر آنجائی که امکان پذیر باشد - بویژه در تظاهراتهای توده ای - کوشش کند.